

طراحی داخلی

فضا، نور، عناصر

ترجمه:

شبنم خانی

علیرضا اردلان زاده

انتشارات طحان

سرشناسه	: خانی، شبینم
عنوان و پدیدآورنده	: طراحی داخلی / فضا، زمان، عناصر.
مشخصات نشر	: تهران: طحان: هله، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۱۶۴ص: مصور، نقشه.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۲-۱۶-۰
یادداشت	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: THE URBAN DESIGN HANDBOOK/techniques and Working methods
موضوع	: معماری داخلی - فضا، نور، عناصر
شناسه افزوده	: شبینم خانی مترجم
شناسه افزوده	: علیرضا اردلانزاده ۱۳۵۸ مترجم
رده بندی کنگره	: ۴گک ۱۶۶/م ۱۶۶ TH
رده بندی دیویی	: ۳۰۷/۱۲۱۶
شماره کتابخانه ملی	: ۱۰۹۵۱۶۸



ناشر تفصیلی معماری و شهرسازی



عنوان: طراحی داخلی
فضا، نور، عناصر

ناشر: انتشارات طحان

ناشر همکار: هله

ترجمه: شبینم خانی - علیرضا اردلانزاده

ناظر فنی چاپ: ابوالفضل چلاغلو

چاپ: مطبوعاتی ایران

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: آرمانسا

صحافی: نوین

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۲-۱۶-۰

قیمت: ۱۴۵۰۰ تومان

همراه: ۱۹۸۵۶۱۷

فکس: ۶۶۹۶۷۰۵۹

تلفن‌های مرکز پخش: ۶۶۴۰۳۲۰۸ - ۶۶۴۰۳۱۹۱

- ۰۹۱۲



درجه بندی فضای داخلی از فضای ساده پذیرش تا گالری تجاری فوق العاده و پرهیاهو، بسیار وسیع است. تنوع طرح ها، حداقل به اندازه تنوع طرح های چیدمان وسعت دارد و فضای داخلی نقش بسیار در مهم معماری به عهده دارد. در حالیکه، پوشش خارجی محافظتی در مقابل عناصر خارجی به شمار می آید و می تواند حکم نمایشگر و معرفی کننده را نیز داشته باشد، فضای داخلی جایی است که مردم - برای زندگی و کار، ستایش مقدسات، خوردن و تفریح - حضور دارند. فضای داخلی می تواند کاملاً مجزا بوده و همه ارتباطات خود را با محیط قطع کند و یا حتی مخفی باشد. حتی می تواند این بوده و به طوری سیال در فضایی که آنرا احاطه کرده است، حضور داشته باشد. اساساً، باید تفاوتی میان ساختار یک اتاق و طراحی داخلی آن قائل بود. در برخی حالات، مهندس هر دو را نیز در نظر می گیرد. گاهی، طراحی به عنوان برنامه دوم در نظر گرفته می شود و تاثیر کمتری در فضا می گذارد که در این حالت این معماری است که به کمک سطوح مواد به کار رفته و طراحی نور، ویژگی های یک اتاق را مشخص می کند. به عنوان مثال در معماری های مقدس و مسحور کننده "تادائو آندو" و یا "لو کوربوزیه".

با این وجود، مهندس گاه برنامه تغییر فضایی را دارد که از قبل وجود داشته است. این موضوع، می تواند حالت ساخت و ساز جدید را داشته باشد ولی گاه می تواند به تغییر و یا نوسازی منجر شود، چون طراحی داخلی نسبت به ساختمان بقای کمتری دارد. این حالت، دقیقاً در زمینه تجارت، مثل بوتیک ها و رستوران ها می تواند حقیقت داشته باشد. چون در این مکان ها، تغییرات و طراحی سریع و حتی یک روزه، یک اصل و روش برای جذب مشتری است.

برخورد با یک ساختار مشخص می تواند به اندازه مفهوم یک فضای جدید جالب باشد. به عنوان مثال، یک ساختمان باستانی که در رده بناهای تاریخی است، جایی که باید همچون بنای امروزی در نظر گرفت، دیده می شود. چنین متضاد میان چنین باستانی و مدرن و با ارزش جلوه دادن برخی عناصر موجود، جذابیت خاصی را در پی دارد. بافت خنثی در یک سالن غذاخوری آغاز حرکتی بسیار متفاوت را نشان می دهد. گاه، جایی که ناپایداری جزئی از اشیا محسوب می شوند، مهندسان و طراحان این اختیار را دارند و می توانند که تجربیات جدیدی را بیازمایند و یا تجربیات گذشته را به کار گیرند.

علاوه بر فضا، مواد به کار رفته برای دیوارها، زمین، کف و مبلمان نیز نقش اساسی در طراحی داخلی به عهده دارند. سطح، ترکیب و رنگ آنها، فضا را کاملاً تحت تاثیر قرار دهد. کاربر با عناصر فضای داخلی به طرز کاملاً متفاوتی با فضای نمای ساختمان روبرو است. می توان آنها را از نزدیک دید، لمس کرد و حتی گاه آنها را حس کرد.

سومین عامل موثر نور است، چه طبیعی و چه مصنوعی. نور می تواند با بهترین تاثیرات، اجسام مرده را به تصویر کشیده و به آنها روح بخشد. تاثیرات دیگر نور، نیاز به طبیعتی است. اتاق ها به طور یکپارچه روشن خواهد شد و یا مهندس از نور برای شکل دادن و یا تاثیرات احساسی استفاده می کند.

پس از دوره کمینه سازی، طی دهه ۹۰ قرن بیستم، برای مفهوم بوتیک ها و خانه ها، اغلب به کمک وسایل بسیار پیچیده تصمیم گرفتند تا به کاهش عوامل اصلی بپردازند. اما اخیراً پیچیدگی و تنوع مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. تمایل جدید به رنگ و اشکال بیدار شده و تزیینات نیز جایگاه خود را یافته اند. معروفترین مارک ها، دریافته اند که معماری فقط موضوع "هویت وابسته" نیست، بلکه می تواند در عین تماشایی بودن، عامل ارتباط کارآمد و جلب توجه رسانه باشد. این چنین است که برای مفهوم بوتیک های **فلگ شیب**^۱ شرکت های معماری بین المللی فعالیت خود را برای ضمانت شناخت و توجه تمام دنیا آغاز می کنند.

این اثر، تنوع برنامه ها، اجزا و عناصری را که برای درک فضای داخلی به کار می روند، بطور پیوسته بررسی می کند. از نمونه های بین المللی کافی شاپ های به روز گرفته تا سالن های کنسرت بسیار شیک، از ساده ترین مسکن تا عجیب ترین بوتیک ها، یکی پس از دیگری مورد بررسی قرار می گیرد. علیرغم تنوع خلاق، در تمام پروژه ها یک نظم بنیادین دیده می شود که می توان آنرا مدرن نامید. این نظم در نهایت هماهنگی با جزئیات، برای هر پروژه با راه حلی مناسب و متمایز، کیفیت بسیار خوبی را ضمانت می کند.

فضاهای مسکونی

در حالی که در اکثر حالات، چیدمان و طراحی داخلی را کم و بیش بی هیچ اعتراضی به یک مهندس و یا طراح می سپاریم، فضاهای مسکونی یک استثنا محسوب می شوند.

البته تعداد صاحبان بناهای شخصی که اجازه طراحی منازل خود را به مهندسی می دهند، بسیار کم است. حتی نظرات یک فرد متخصص

^۱ - flagship اصطلاحاً به محصولات بسیار برجسته اطلاق می گردد

در زمینه طراحی نیز بسیار نادر و بیشتر برای طراحی یک بنای قدیمی ارزشمند بود.

جنبه های مادی فقط نکات محدودی را در بر می گیرد. برعکس، دلایل واقعی در مسائل سلیقه ای و عادت ها دیده می شوند: مسکن برای اکثر مردم، مکانی شخصی محسوب می شود، جایی است برای استراحت کردن، پس به کسی اجازه نمی دهند تا این خانه توسط شخص دیگری طراحی شود. فضای مدرن واقعی تنها جایی است که اینچنین فضایی را قبول نمی کند. پس چندان هم جای تعجب نیست که بسیاری از خانه های مدرن، توسط مهندسين برای خودشان (و یا اهالی هنر که با فرهنگ آشنا هستند) ساخته شده باشد. همواره، مهندسين از خانه های شخصی خودشان برای تجربه بيش شخصي از واقعیت - نماد کار خودشان و حتی نوعی تجلی - استفاده می کنند.

این موضوع در مورد جان پوسون^۲ که تا سال ۱۹۹۹ از مکتب کمینه سازی بهره می جست تا خانه ای بسیار زیبا در لندن داشته باشد، صادق است (تصویر ۱.۲). مصالح بسیار مجلل، حضور صنایع دستی، ویژگی دیوارها و سطوح تصویری را مشخص کردند: معماری به اساسی ترین عناصر خود (فضا، نور، عناصر) کاهش یافت. هر وسیله خانگی و یا نقاشی بر روی دیوار، نظم را بر هم می زد. اما انجام این فن کمینه سازی، آن چنان که پوسون آن را انجام داد، برای همه مقدور نیست. کسی تا این اندازه فضای خالی برای پنهان نمودن همه عناصر مفید در قفسه های طراحی شده هزینه نمی کند. نمونه دیگر این مثال، آپارتمانی است که توسط مایا لین^۳ برای یک طراح نرم افزار و کلکسیونر در نیویورک طراحی شده است. این بنا به نوع خود بسیار کمینه سازی شده بود، ولی در عین حال کاملاً متفاوت طراحی شده بود. علیرغم ساختمان پوسون که دیوارهای سفید حاکم بر فضا بودند، در این بنا، این سطوح از جنس افرا بودند که (با جزئیات نامحسوس) فضا را در بر می گیرد. پلکان، دیوارها، درهای کشویی و معمولی و آشپزخانه نیز در آنها ادغام می شوند (تصاویر ۱.۳ و ۱.۴). میز و صندلی هایش که هر گاه مورد استفاده نباشند، زیر آن چیده می شوند تا یک حجم بسته را تشکیل دهند، جزئی از این مجموعه بشمار می آیند. چهارپایه های آشپزخانه در زوایای پیشخوان نیز طبق همان اصول چیده می شوند و اینچنین جورچینی فضایی جذابی داریم که از دیواره های افقی و عمودی ساخته شده است.

فضاهای مقدس

فضاهای مقدس از بزرگترین معضلات مهندسان محسوب می شوند و علیرغم پروژه های پیشین، اجازه می دهند تا این فضاها از تصور

کاربرد مذهبی آنها، به منظور ایجاد فضایی بکر، جدا شوند؛ فضایی چشمگیر با شباهت ها و تجهیزات و ویژگی های نور. با توجه به کاربرد فضاهای مقدس، طراحی آنها بی نظیر و ویژگی های نمادین داشته باشند. تادائو آندو به کمک ابزاری ساده و کاربردی توانست سالن فکر سازمان یونسکو در پاریس را استادانه طراحی کند (تصویر ۱.۵) و به فضایی هماهنگ با همه مردم از همه کشورها و از هر ریشه و مذهبی تبدیل کند.



۱.۲

آندو تنها راه حل پروژه را در استوانه ای با بتون خام که دیوارهای هلالی آن را که به سادگی توسط ضمایم و منافذ موجود در قالب های جداکننده در کنار هم چیده شده اند، دید. در غیراین صورت علاوه بر چینش زمین با سنگ گرانیت، فقط یک صندلی و نور وجود دارد. نوری که از دو دریچه و از بلندی وارد شده و به دیوارها می تابد. سقف شامل یک صفحه بتونی با قطری هم اندازه با استوانه مذکور است که با چهار نقطه متقاطع حفظ می شود.

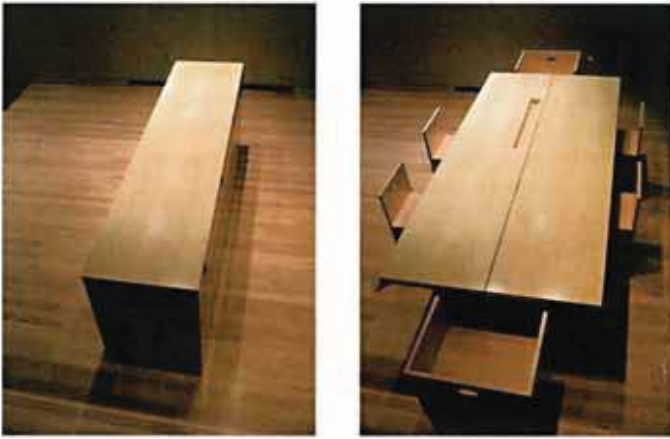
به دلیل بهره گیری فوق العاده از کمینه سازی، آندو موفق شد تا به اتاق، نیرویی نمادین بدهد: معتقدین بزرگترین ادیان می توانند در قسمت معماری و جزئیات آن، روابطی با اعتقاداتشان بیابند. به همین ترتیب، مهندس فنلاندی یوها لیویسکا^۴ در کلیساهای ساخت خود، از بازی نور و فضا بیشتر از خشت و چوب با عنوان مواد بهره گرفته است. دیواره های جابجا شده (تصویر ۱.۱) نسبت به یکدیگر که اجازه عبور اشعه های خورشید از نواحی شمالی خود را می دهند، از ویژگیهای معماری لیویسکت است. وی توانست در مرکز کلیسای کوپیو در فنلاند و توانایی خود را با عبور دادن نور در ساعات روز و بازی ابرها، نشان دهد. نور غیر مستقیم روی دیوارها، پشت محراب، در طول صبح شدیدتر شده و نزدیک ظهر در پایان مراسم مذهبی به اوج می رسد و سپس با تابش مستقیم نور خورشید برفضا، و با

^۴ - Juha Leiviska

^۲ - John Pawson

^۳ - Maya Lin

حذف اضافات، نگاه مردم به سمت محصولاتی که کمتر معرفی شده هدایت می شود، به چشم می خورد.



۱.۴

همانگی نور و سایه، روشنایی فضا کمتر می شود. کنیسه جدید درسدو دو واندل^۵ اثر هوفر، لورش و هیرش^۶ با آثار و بنای لیویسکا و آندو تفاوت دارد. در فضایی تقریباً تاریک که نور از بالا تابیده می شود، ساختاری همچون سقفی کاذب از بافتی فلزی آویزان شده است و فضایی نورانی پراکنده و عرفانی خلق می کند. نور نه تنها به طور حزن آوری هدایت نمی شود بلکه به سمت داخل افزایش می یابد. در حالیکه نزد آندو و لیویسکا اثاثیه به حداقل کاهش یافته است تا خود فضا بتواند ویژگی فضا را تعریف کند و تاثیر جمعی قاطعانه با مبلمان تندیس و با دقت در جزئیاتش مشخص شده است.

فضاهای فروشگاهی (فضاهای فروش)

هنگامی که معماری داخلی جذب مشتری می کند، گاه ممکن است که افراط های جسورانه ای انجام دهد. در حقیقت چیدمان مغازه ها اغلب به واسطه سرعت تغییرات مشخص می شود. پروژه ها معمولاً تاریخ انقضای کوتاهی دارند و به همین دلیل بدون هیچ تاثیر دیگری می توانند بسیار به روز باشند. این موضوع برای مهندسی آزادی عمل بسیاری را در پروژه های طولانی مدت به وجود می آورد. مهندسین گروه پروپلر زد^۷ قصد داشتند تا ارتباطی میان مد و چیدمان بوتیکشان (Gil) در خیابان ماریاهیلفر در وین خلق کنند. آنها فضای نمایشگاهی روشنی ایجاد کردند که بسیار تماشایی به نظر می رسید. دیوارها و سقف ها، از لینولئوم (نوعی کف پوش) پوشیده شده بودند. مبلمان و اتاق های پرو، از مواد پلی استر ساخته شده بودند. مواد و سطوح صنعتی با بافت لباس ها با کنتراست در ارتباط هستند.

در مقابل، گالری جواهرات شهرداری ایزابل هورد که توسط آندو و کیندل باخر روند کمینه سازی و دقت بسیار زیادی را در پیش گرفته است، فضای بسیار کوچکی در طبقه همکف یک خانه باقیمانده از زمان پس از جنگ که توسط چند مبل که با دقت بسیار چیده شده اند، به قسمت های متفاوت تقسیم شده است و جواهرات داخل ویرترین بهترین افکت را دارند. این شکل کمینه سازی در چیدمان فروشگاه های کلودیو سیلوراشتاین و جان پوسون^۸ (تصویر ۱.۶) متفاوت است چون در این فروشگاه ها چیدمان در نهایت اتلاف فضا بوده و نوعی شکوه و تجمل خاص به تصویر کشیده می شود. بعلاوه کاهش این نوع فروشگاه ها که تکیه بر تخفیف دارند، جایی که با



۱.۵

^۵ - Dresde de Wandel

^۶ - Hofer, Lorch, Hirsch

^۷ - Propeller-Z

^۸ - Claudio Silvestrin, John Pawson



۱.۶

امروزه، منافع اصلی این نوع چیدمان در بوتیک‌ها به پیشنهاد مهندس، سبک چیدمان سبک زندگی و تولید فضاها بستگی دارد. معماری به مارک بستگی دارد. این موضوع در مورد flagship های زنجیره ای مد و تولیدات ورزشی که به عنوان پرچم دار مارک باید در بهترین محله‌ها روح مارک را معرفی کنند، صحت دارد و هیچ موضوعی بیشتر از این موضوع برای چیدمان مناسب نیست. چون اغلب مواقع مهندسین بین المللی همچون اوما کرم، رنزو پیانو، هرتز وگ و دو مرون^۹ را به جای طراح به کار می‌گیریم.

گروه مهندسین جوان نیویورکی آرو موفق شد تا هویت صنفی خود با بوتیک کیورا در منهن را برای شرکت آرایشی و بهداشتی شیسیدو اجرا کنند.

مجموع چیدمان در عین حال پراکنده و هماهنگ به نظر می‌آید و مارک را با مراجعه همزمان به اشکال غیرعادی شیشه‌ها و بطری‌های محصولات کیورا، در اشکال و رنگها مستقل می‌کند. گروه مهندسی فیوچر سیستم از هرگونه مراجعه و اشاره مستقیم به محصولات در بوتیک‌های مارنی در لندن خودداری کرده‌اند. آنها برای اینکه لباس‌ها عناصر اصلی این ترکیب به نظر بیایند، چشم اندازی داخلی به وجود آوردند. نوعی اثر هنری: بوتیک‌ها همانند ویتروینی بزرگ و واحد و مثل صحنه تئاتر به نظر می‌آید.

ری کاواکوبو^{۱۰} طراح، با بوتیک‌های Comme des Garçons که ابتدا با مهندس تاکائو کاوازاکی و سپس با فیوچر سیستم طراحی کرد، در فروشگاه‌های flagship نقش پرچم دار را بازی می‌کند. این طراح ژاپنی، از آغاز دهه ۸۰، جزء نخستین افرادی محسوب می‌شد که تاکید چندانی برای معرفی سودآور لباس‌ها نداشت. برعکس به دنبال ارتباطات خاصی میان معماری، طراحی و هنر بود. در اکثر پروژه‌هایش، سبک زندگی به اندازه‌ای به مد وابسته شده بود که در یکی از بوتیک‌هایش در توکیو دیگر هیچ کالایی به چشم نمی‌خورد. لباس‌ها طبق درخواست مشتریان توسط فروشنده‌ها عرضه می‌شدند. گویا بوتیک همزمان به گالری عکاسی آثار هنری و هنر معاصر تبدیل شده است.

به همان شکل در فروشگاه‌ها پرادا که از سال ۲۰۰۲ در نیویورک با طراحی اوما (تصویر ۱.۷) آغاز به فعالیت کرده است، تنها یک بوتیک به چشم می‌آید. اما، در طراحی ری کاواکوبو، لباس‌های فروخته شده، در فضای ثانوی و یا در سبدهایی نگه داشته می‌شدند که بتوان آنها را در صورت عدم نیاز جابجا کرد.



۱.۷

^۹ - OMA Crem, Renzo Piano یا Herzog و de Meuron

^{۱۰} - Rei Kawakubo



۱۸

فضاهای تغذیه

چیدمان داخلی در فضاهای تغذیه، باید مانند بوتیک ها، جو و فضایی بسیار خاص بیافریند. هرچند که رستوران های گران، سنتی بمانند، چیدمان های رستورانهای به روز بسیار مدرن تر و در حقیقت بسیار متغیر هستند. یکی از پروژه های بسیار قابل توجه سالهای اخیر، کافه رستوران دیلر - اسکوفیدو در ساختمان سیگرام نیویورک است. ترکیبی مطابق ساخته شده با سلیقه روز ولی بسیار موفق از پانل های چند لایه، نمایشگرهای پر زرق و برق و شیشه های مات. رستوران ویگی توگو اثر کلاین دیتام در توکیو نیز در این ردیف جای گرفته است، جایی که با ابزار و وسایل نسبتاً ساده اما پر تاثیر که دلیل قانع کننده ای است بر این موضوع: سبز ملایم و پرنور که ایده طبیعت را زنده می کند، سایه سبزی های پلاستیکی که نقش برچسب را بازی کرده و یک عنصر گرافیک محسوب می شود.

به این ترتیب یک فروشگاه می تواند به فضایی کاملاً عمومی تبدیل شود و هر بعد از ظهر که در خلال آن فروش نیز می تواند متوقف شود و برای شب نیز، نمایش هایی در نظر گرفته شده است. رم کولهاس معماری تجاری را همانند تمرینی بسیار مهم می پندارد. در فعالیت های تئوری اش، بویژه پروژه اخیرش، مدرسه و فروشگاه طراحی هاروارد، که توسط شاگردانش ساخته شده است، خود را مسئول سبک آشفته مراکز و گالری های تجاری دانست و توسط بسیاری از مهندسين سرزنش شد که در میان آنها، اساتیدی چون می، لوکوربوزیه و فرانک فلویید رایت^{۱۱} به چشم می خورد.

سوپرمارکت ها اکثراً همچون محفظه هایی در نظر گرفته شده اند که فقط دارای یک پنجره می باشند با پارکینگی عظیم در حواشی شهرها که نتیجه این بی دقتی است - معماری بدون ظاهر و کاربردی که فقط به سوی معیارهای درآمدزایی سوق داده می شود.

دومینیک پروت اثبات کرده است که ممکن است در پروژه اش برای فروشگاه زنجیره ای M-Preis در والتنز تیرول به گونه ای دیگر عمل کند. او موفق شد ساختمانی از فولاد و شیشه بنا کند که چشم انداز داخلی را همزمان با نمایی قابل توجه رعایت کرده است. در درون نور طبیعی به لطف سطوح شیشه ای بسیار بزرگ و چراغ های کوچک و نیز جزئیات به دقت انجام شده، فضای بسیار با کیفیتی را ضمانت می کند. حتی وقتی فروشگاههای بزرگ مرکز شهر از ابزارهای بیشتری ساخته شده باشند، به اندازه سوپرمارکت ها پیش افتاده و بیهوده به نظر می رسند. اکثر مواقع گالری لافایت در برلن (تصویر ۱۸)، یک مثال متناقض است. ژان نوول از آن برای معرفی آثار پارسی اواخر قرن ۱۹ و محوطه های بزرگ بادبازارهای شیشه ای آنها بهره جسته است. نوول فضای درونی را همچون دنیای ماجراها در نظر می گیرد. جذابیت آن نیز شامل محوطه ای بزرگ با دو حفره شیشه ای (مخروط اول که رو به بالا و مخروط دوم به سمت درون می باشد). بازتاب نور روی شیشه های مایل، صفحه های نیمه شفاف که بازی ظریفی بین آشکار و پنهان خلق می کند.

¹¹-Mies, Le Corbusier, Frank Lloyd Wright

اداره و فضای کار



۱.۹

به دلیل فناوری جدید اطلاعات و روش های نوین کار، امروزه شکل های سازماندهی متفاوتی در مبلمان ادارات به چشم می خورد: از اتاق های شخصی تا اتاق های بزرگ و دفاتر بزرگتر همچون پروژه گروه هلندی MVRDV که تقریباً تمام ساختمان را در بر می گیرد. چیدمان بزرگترین قسمت دفتر کار، بخصوص موسسات بزرگ، بانکها و مراکز بیمه، استاندارد هستند و مبلمان نیز از کاتالوگ های مرتبط اداری انتخاب می شود. باید افزود که مبلمان در ادارات با تأمل انتخاب شده اند. سرمایه گذاران نیز جای عمده اثر را می گیرند و ساخت محصولات را امکان پذیر می سازند که بواسطه ساختار قطعات و مبلمان، متوسط تقاضاهای استفاده کنندگان مورد توجه است.

این امر، در موسسات اقتصاد نوین که در تمام دنیا گسترده شده است، متفاوت است: تغییرات مداومی که با نظم روز پیش می روند. اما محدودیت های اقتصادی در آثار جدید به خلاقیت ختم می شوند. راه حل های اصلی و اجرا شده توسط ابزار و وسایل ساده و اندک را می توان در ساختمان های قدیمی صنعتی و انبارهای سانفرانسیسکو، نیویورک (تصویر ۱.۹) و برلین شرقی، پیدا کرد.

تنوع در رنگبندی نیز نسبت به جذابیت خام ساختمان های قدیمی یک کنتراست جذابی ایجاد می کند. در کنار راه اندازی اینترنت، فعالیت های دفاتر مهندسی، یا آژانس های ارتباطات به خاطر چیدمان سنتی بوسیله ابزار ساده و مهندسی مثل آژانس تبلیغاتی KMS در مونیخ، خیره کننده هستند. چیدمان جدید و مواد آن اکثراً از پشم و فولاد و بتون خام کنتراستی بسیار چشمگیر با سالن نگهداری کامیون ها خلق می کند که در آغاز قرن بیستم بسیار ظریف بنا نهاده شده است.

فرانک او گری یکی از چیدمان های بسیار خیره کننده و تماشایی اش را با ایجاد یکی از ساختارهای تشکیل یافته از بازتابهای فلزی که در محوطه به کار رفته است، برای مبلمان اداری برای دی جی بانک و پاریزه پلاتز (تصویر ۱.۱۰) در برلین اجرا کرده است. افکت شگفت آور و موفق تری از ساخت بیرونی بنا، با نمای ساده سنگی روزنه دار اجازه کشف آنچه در درون وجود دارد را نمی دهد.



۱.۱۰

کتابخانه ملی پاریس اثر دومینیک پرو، در برخورد اول نمایشی معماری است که باید نماد عظمت فرهنگی فرانسه و رئیس جمهور وقت خود یعنی فرانسوا میتران باشد. به منظور کسب ویژگی تاثیر گذار بنا با چهار برج در گوشه هایش که همانند چهار کتاب باز هستند، کمبود فضای معماری (موضوعی که قبلاً در موارد دیگر به شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود)، را جبران کرده اند.

پرو در این مورد که بررسی به جای ترکیب و جزئیات چیدمان به مشکلات کلی می پردازد، به کمک همکاریش لوریوت موفق به اجرای اثر هنری کاملی و بسیار سختی شد که امروزه نمی توان چنین اثری عظیمی را بنا کرد. مهندسين توانستند همه چیدمان، مبلمان (میزها و صندلی ها به صورت سری تولید شده بود)، روشنایی و پوشش دیوارها و سقف ها را انجام دهند. مثال برجسته دیگر تات مدرن لندن، واقع در کارخانه ای که از سال ۱۹۴۵ کاربری خود را تغییر داده است، می باشد: تغییر کاربری و مرمت توسط هرزگوگ و مورون از بانک ساید پاور استیشن، یکی از بزرگترین و چشم گیر ترین موزه هنرهای موران را به تصویر کشیده است.

تاثیر کلی در تمام سالن های نمایشگاهی که آثار بزرگی را در خود جا داده اند و چیدمان سالن های توربین قدیمی، بسیار اندک است: باندهای نور نئون با ساخت فولاد سیاه پرچ شده، کنتراست دارد و یک نمادی از گذر زمان تبدیل عصر صنعتی به عصر پر زرق و برق فناوری اطلاعات به شمار می رود.

سالن های کنسرت و تئاتر از نظر زیباشناختی و فنی، متعلق به پروژه های مجلل هستند: کیفیت صوتی مناسب، دید کامل از همه جایگاه ها و فضای بسیار عالی از ویژگی های آنهاست.

چنین بناهایی، همچون دو مثالی که از اوتزون و شارون ذکر شد، می توانند کاربرد خود را از فضای بیرونی نیز نشان دهند. از میان فضاهای درونی، می توان به عنوان مثال، به سالن های کنسرت و سن های تئاتر که روشنایی مصنوعی دارند، اشاره کرد. کیفیت صوتی در اکثر موارد برای بهره بردن از سطوح شکسته و ناهموار که به مقیاس داخلی سالن های کنسرت بستگی دارد، محدودیت فضایی صاف و صیقلی را نمی پذیرد. این پروژه به شیوه جالبی در سالن کنسرتی در لئون مانسیلا اجرا شد.

فضاهای تردد (رفت و آمد)

فضاهای مورد نظر برای رفت و آمد در شبکه های جهانی حمل و نقلی که با ماشین، قطار، کشتی و یا هواپیما در ارتباط هستند، اختصاص یافته اند. ارتباط تنگاتنگ میان تکنولوژی و معماری، ویژگی آشکار معماری، و ساختار ظاهری فضای درونی، تاثیر فضایی را در درون مشخص می کنند. با این حال، اکثر آثار بزرگ، فضاهای

فضاهای فرهنگی و نمایشگاهی

برنامه های فرهنگی یادآور ساختمان هایی فراتر از بناهای ساده هستند: اشیاء به این منظور معتبر هستند که باید نشانه های معماری در شهر باشند. پاسخ دادن به همه تضادهای کاربردی قابل رویت آنها از بیرون بنا، قسمتی از تمرین ترکیب می باشد. فضاهای فرهنگی شهر باید خود را نشان دهند و تا آنجا که می توانند نقطه جذب گردشگری در سطح شهر باشند. چنین بنایی می تواند نمادی باشد که از دور نیز شناخته شود. نمونه های معماری فنی که از گذشته موفق بودند، عبارتند از: اپرا در سیدنی اثر اوتزون، فیلامونی برلین اثر شارون و موزه گوگنهایم بیلباو اثر فرانک گری.